

تصمیمات قضائی

هیئت عمومی دیوانعالی کشور

بحکایت پرونده‌های ۱۱/۵۹۱؛ و ۱/۶۹۱؛ کیفری درخصوص ابلاغ واقعی و قانونی اظهارنامه چک بی محل و احراز سوء نیت صادرکننده چک از شعب دوم و نهم دیوانعالی کشور آراء مختلف و متضادی صادر گردیده است. بدین مضمون که شعبه دوم در مورد چکهای بیمحل ابلاغ واقعی را برای احراز سوء نیت صادرکننده چک لازم دانسته و چنین رأی داده است « چون طبق دستور ذیل ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی سوء نیت صادرکننده چک وقتی محرز و مشارالیه مطابق بندب آن ماده قابل کیفر میباشد که با ابلاغ اظهاریه رسمی در ظرف پنج روز وجه چک را نپردازد و چنانچه اظهاریه بشخص او ابلاغ نشود و ابلاغ قانونی بشود ممکن است مشارالیه از صدور اظهاریه بی اطلاع بماند در اینصورت نمیتوان ناسپرده را مطابق بندب آن قانون قابل کیفر دانست و چون در اینمورد اظهاریه ابلاغ واقعی نشده و دادگاه بدون توجه باین امر متهم را مقصر دانسته و برای او طبق بندب ساده فوق‌الاشعار کیفر تعیین نموده است لذا حکم فرجامخواسته قانونی نبوده و مطابق ماده ۳۰؛ قانون آئین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان سرکز ارجاع میشود.» و حال آنکه شعبه نهم برای احراز سوء نیت صادرکننده چک ابلاغ قانونی را کافی دانسته و چنین اظهار نظر نموده است «اعتراض محکوم علیه فرجامخواه بشرح سندرچ در دادخواست فرجامی او باینکه چون اظهارنامه ارسالی مدعی خصوصی بوی ابلاغ واقعی نشده و دسائس شاکی که براهنمائی مأسور ابلاغ بوده سبب گردیده که مأسور مجال اقدام به وظیفه خود را ننماید از این رو صدور کیفرخواست و حکم محکومیت مشارالیه با استناد بندب از ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی قانونی نبوده با توجه بمحتویات پرونده و ابلاغ شدن اظهارنامه مزبور بمحل اقامت متهم طبق ماده ۹۳ آئین دادرسی مدنی و اینکه از طرف او در ارتباط و انطباق اقامتگاه سندرچ در اظهارنامه یا محل اقامت خود انکار و تردیدی بعمل نیامده است وارد و سوجه بنظر نمیرسد و اعتراض دیگر فرجامخواه باینکه چون شریک شاکی از بابت وجه چکهای مورد دعوی قبلا مبلغی از او دریافت نموده و مبالغ دیگری هم بموجب رسید از آن بابت پرداخته و برائت ذمه وی بهمان مبالغ بابت وجه چکها حاصل شده بوده لذا محکومیت وی در مقابل مدعی خصوصی بتمام مبلغ چکها مورد نداشته نیز باسلاخظه استدلال و استنباط دادگاه بر عدم ارتباط اسناد ابرازی متهم با چکهای مورد دعوی سوجه بنظر نمیرسد و سایر اعتراضات فرجامخواه در اثر صدور حکم محکومیت او بر اثر اعمال نفوذ یکی از بستگان مدعی خصوصی که در دیوان کیفر دارای سمتی بوده نیز سردود و ناسوجه است و چون باسلاخظه پرونده از جهت رعایت اصول دادرسی و تطبیق عمل باقانون و تعیین کیفر و سایر جهات اشکال مؤثر موجب نقض بحکم فرجام خواسته وارد بنظر نمیرسد از این رو حکم مزبور باتفاق آراء ابرام میشود.» با توجه بآراء مختلفی

در مورد مشابه از شعب دیوانعالی کشور صادر شده طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ موضوع مختلف به را در هیئت عمومی را مورد بررسی قرار داده و نسبت بان اتخاذ نظر فرمایند تا دادگاهها در مورد مشابه از نظر رویه واحد پیروی نمایند دادستان کل کشور.

بتاریخ روز چهارشنبه نهم بهمنماه ۱۳۴۲ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای محمد مجلسی دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤساء و مستشاران شعب شرح زیر:

شعبه اول جناب آقای هاشم مفخم آقای نصرالله معصومخانی آقای علی اصغر اسین آقای دکتر محمد علی پارسائی

شعبه دوم جناب آقای فتح الله فرزار آقای عبدالله خلیل ناجی آقای ولی الله شهاب

فردوس

شعبه سوم جناب آقای محمود عرفان آقای احمد رزین آقای علی صفری.

شعبه چهارم آقای اسدالله صباح مرجانی آقای ابوالقاسم اخوی آقای جواد

صادقی

شعبه پنجم جناب آقای محمود هدایت آقای محمد حسن شیرازی آقای ابوالقاسم

فقیه زاده

شعبه ششم جناب آقای صالح صالح آقای بیولد آصف زاده آقای علی اکبر مهینی

شعبه هفتم جناب آقای عمادالدین میرمطهری آقای محمد علی فرهنگ.

شعبه هشتم جناب آقای نصیرالدین خواجوی آقای باقر شهیدی آقای علی اصغر

سریف آقای دکتر حسین بصیری.

شعبه نهم جناب آقای مرتضی طباطبائی دپها آقای محمود نجفی فردوسی آقای

وجیه الله فاضل سرجوئی

شعبه دهم جناب آقای محمد صدر آقای محمد صفدری آقای دکتر علی صدارت

شعبه یازدهم جناب آقای عبدالحسین احمدی بختیاری آقای حسین بیدار آقای

رحمت الله مقدم

شعبه دوازدهم جناب آقای احمد فلاح رستگار آقای احمد معاون زاده آقای

غلامرضا بیرشک

تشکیل و پس از طرح و قرائت گزارش مربوط به آراء متضاد صادر از شعب دوم

و نهم دیوانعالی کشور راجع با ابلاغ واقعی و قانونی اظهارنامه چک بیمحل در مورد

مختلف فیه بررسی گردید و پس از استماع بیانات جناب آقای دادستان کل که سببی بر ابلاغ

واقعی اظهارنامه چک بی محل بوده مشاوره نموده با اکثریت آراء بشرح زیر رای میدهند:

چون طبق بندب ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات موقعی کیفر صادرکننده چک

بلامحل تشدید میگردد که در صدور چنین چکی سوء نیت داشته باشد و یکی از طرق

احراز سوء نیت ابلاغ اظهارنامه باو است و اصولاً تا اظهارنامه بشخص ستم ابلاغ

واقعی نگردد نمیتوان یقین حاصل کرد باینکه با علم و اطلاع از صدور اظهارنامه از پرداخت مبلغ چک خودداری کرده است. بنابراین ابلاغ اظهارنامه در این مورد ابلاغ واقعی است نه قانونی مگر اینکه دادگاه از طرق دیگری از قبیل اقرار متهم یا دلائل دیگر احراز نماید که متهم از مفاد یا صدور اظهارنامه مطلع شده است مع هذا در موقع مقرر از پرداخت وجه چک استناع نموده است. این رأی طبق قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در مورد مشابه لازم الاتباع است.

هیئت عمومی دیوانعالی کشور

بحکایت پرونده‌های ۶/۶۸؛ ۱۲/۱۴۷۹ و ۱۵۴/۳۱۵۴ راجع باستنباط از عبارت «نسل بعد نسل» مذکور در بعضی از وقف‌نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها بین شعب اول و ششم از یک طرف و شعبه دهم دیوانعالی کشور از طرف دیگر رویه مختلف اتخاذ گردیده باین طریق که شعب ۱ و ۶ رعایت طبقات بر نسلی را لازم دانسته و شعبه دهم لازم ندیده که طبقه منقرض گردد تا نوبت طبقه بعدی برسد بلکه اظهار عقیده نموده است که مقصود از عبارت «نسل بعد نسل» اینست که اگر مثلاً اولاد ذکور متولی یا ناظر و یا وصی بوده بعد از فوتش فرزندان او همان سمت را پیدا میکنند نه برادرش شعبه اول در تاریخ ۲۸/۶/۸ چنین بیان عقیده نموده است (برطبق وقفنامه استنادی که تولیت موقوفه مورد بحث بالا اولاد ذکور واقف «نسل بعد نسل» قرار داده شده با وجود طبقه اعلی طبقه بعد متولی نخواهد بود - مگر اینکه قرینه خلافی در بین باشد چون دادگاه جمله «نسل بعد نسل» را دلیل شرکت طبقات در تولیت دانسته و این معنی بر خلاف مستنبط از وقفنامه است حکم فرجام‌خواسته شکسته میشود).

شعبه ششم در تاریخ ۱۱/۱۱/۲۸ چنین رأی داده است (بموجب وقفنامه امر نظارت پس از فوت ناظر منقرض با اولاد او «نسل بعد نسل» که دلالت بر ترتیب دارد مقرر گردیده و با بودن عمو برادرزاده که هر دو نسل ناظر باشند شرکت ندارد و در این مورد دادگاه بر خلاف مدلول وقفنامه با بودن عمو نظارت را با برادرزاده تشخیص داده که برخلاف مدلول وقفنامه است و حکم شکسته میشود).

شعبه دهم در تاریخ ۲۶/۶/۱؛ چنین اظهار نظر نموده است.

چون ظاهر مفاد وصیت‌نامه این است که محمد حسن وصی منصوص حاجی محمد علی ناظر را که یکی دیگر از اولاد موصی است وصی بعد از خود قرار دهد و وصایت در عتاق وصی مزبور «نسل بعد نسل» قرار گیرد و مستفاد از عبارت «نسل بعد نسل» سلسله طولی اولاد حاجی محمد علی میباشد و اختیار تعیین وصی نیز منحصرأ برای وصی منصوص بوده بالنتیجه حکم فرجام‌خواسته برخلاف مفاد وصیت‌نامه است و نقض میشود) که چون بشرح مذکور در بالا در خصوص استنباط از عبارت «نسل بعد نسل» از شعب دیوانعالی کشور رویه‌های مختلف اتخاذ شده است بتجویز قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ تقاضای بررسی موضوع مختلف فیه را دارد تا نسبت بان اتخاذ نظر فرمایند. دادستان کل کشور.

بتاریخ روز چهارشنبه دوم بهمن ماه ۱۳۴۲ جلسه هیئت عمومی برپاست جناب آقای محمد سروری رئیس و باحضور جناب آقای محمد مجلسی دادستان کل کشور و آقایان رؤساء و مستشاران شعب بشرح زیر:

شعبه اول جناب آقای علی اصغر امین آقای دکتر محمد علی پارسائی
شعبه دوم - جناب آقای فتح الله فرزار آقای تقی خستو آقای عبدالله خلیل ناجی
شعبه سوم - جناب آقای محمود عرفان آقای احمد رزین آقای علی صفری
شعبه چهارم - آقای اسدالله مصباح مرجانی آقای ابوالقاسم اخوی
شعبه پنجم - جناب آقای محمود هدایت آقای محمدحسن شیرازی آقای ابوالقاسم

فقیه زاده

شعبه ششم - جناب آقای سید صالح صالح آقای بیوک آصف زاده آقای علی اکبر حاجی مهینی آقای حسین میر احمدی

شعبه هفتم - جناب آقای عمادالدین میر مطهری آقای حسین معظمی آقای محمد علی فرهنگ

شعبه هشتم - جناب آقای نصیرالدین خواجوی آقای باقر شهیدی آقای علی اصغر شریف آقای دکتر حسین بصیری

شعبه نهم - جناب آقای رضا هنری آقای مرتضی طباطبائی دیا آقای محمود نجفی فردوس آقای وجیه الله فاضل سر جوئی

شعبه دهم - آقای محمد صفدری آقای دکتر علی صدارت

شعبه یازدهم - آقای حسین بیدار آقای رحمت الله مقدم

شعبه دوازدهم - جناب آقای احمد فلاح رستگار آقای احمد معاون زاده آقای غلامرضا بیرشک تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش و مطالعه پرونده های مربوط به آراء مختلفی که از شعب اول و ششم و دهم دیوان عالی کشور در مورد عبارت « نسل بعد نسل » صادر شده با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مبنی بر اینکه آراء صادره از شعبه اول و ششم صحیح است مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند:

رأی هیئت عمومی

نظر بآراء صادره از شعب اول و ششم دیوان عالی کشور از یکطرف و شعبه دهم دیوان مزبور از طرف دیگر از حیث اختلاف در مقتضای عبارت « نسل بعد نسل » مندرج در وقفنامه ها و وصیتنامه که موضوع از لحاظ قانون مربوط بوحدت رویه در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و چنین رأی داده میشود:

استفاد از صرف عبارت « نسل بعد نسل » در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک از اینقرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقیماندهگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمیتواند شرکت نماید و سادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت « طبقه بعد طبقه » و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی بموجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظائر مورد ستیع و لازم الاجرا است.

آگهی

۱ - کتابی تحت عنوان مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا بوسیله پرفسور گارو که توسط آقای دکتر سید ضیاءالدین نقابت وکیل پایه یک دادگستری ترجمه و تطبیق گردیده بکانون وکلاء دادگستری اهداء شده است - هیئت تحریریه ضمن تشکر از نویسنده محترم توفیق ایشان را در خدمت بمطالعات قضائی آرزو دارد.

۲ - کتابی تحت عنوان بند C ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری لاهه بقلم آقای خسرو گیتی دادرس محترم دادگستری از طرف مؤلف بکانون وکلاء دادگستری اهدا شده است هیئت تحریریه مجله ضمن تشکر از مؤلف محترم موفقیت ایشان را در خدمات علمی و قضائی آرزومند است.

۳ - کتابی تحت عنوان اقرار در حقوق مدنی ایران تألیف آقای دکتر فتح الله دولتشاهی بکانون وکلاء دادگستری اهداء شده است هیئت تحریریه ضمن تشکر از مؤلف توفیق ایشان را در خدمات علمی و قضائی آرزومند است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آگهی

تاریخ ۴۳/۴/۸

شماره ۴

کانون وکلای دادگستری فارس

شیراز

بتاریخ ۴۳/۴/۸ در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر دادگاه انتظامی کانون وکلاء دادگستری فارس بریاست آقای موهبت‌الله خائفی رئیس دادگاه و عضویت آقایان حسام فیض و لطف‌الله سجادادرسان اصلی دادگاه انتظامی تشکیل است آقای محمد برازجانی دادستان انتظامی وکلاء نیز حضور دارند پرونده مربوط به کیفرخواست دادسرای انتظامی به آقای عبدالحسین و خشوری کارگشای حوزه لار مورد رسیدگی است آقای دادستان انتظامی اظهار داشتند بموجب کیفرخواست تقدیمی تقاضای محکومیت کارگشای مشتکی‌عنه را دارم هیئت دادگاه پس از ملاحظه محتویات پرونده و بازجوئی‌هاییکه بوسیله دادگاه بخش لار از شاکیان و کارگشای مشتکی‌عنه شده است و مشاوره با اتفاق آراء چنین رأی میدهد.

رأی دادگاه - چون حسب محتویات پرونده و با استنباط از اظهارات کارگشای مشتکی‌عنه و اینکه نتوانسته ثابت کند که در مقابل دریافت حق الوکاله قبض رسیدی به موکلین خود داده باشد ارتکاب تخلف انتسابی از ناحیه مشارالیه محرز میباشد و باستناد بند ۲ از ماده ۷۹ ناظر بفقده ۳ از ماده ۷۶ و با اعمال قسمت اول ماده ۸۳ آئین نامه قانون استقلال کانون وکلاء مجازات توبیخ با درج در روزنامه رسمی و سجله کانون محکوم میشود رأی قطعی است و مقرر میشود از طرف ریاست کانون در اجراء آن اقدام گردد.

محمد برازجانی دادستان انتظامی لطف‌الله سجادادرس اصلی حسام فیض دادرس اصلی موهبت‌الله خائفی رئیس دادگاه

شماره ۲۹۰۰/۴۳

تاریخ ۱۳۴۳/۵/۱۰

آگهی

آقای موسی صبی وکیل پایه ۱ دادگستری طبق حکم شماره $\frac{۱۰۵۴۱}{۴۳/۲/۱}$ دادگاه

انتظامی قضات بتوبیخ با درج در روزنامه رسمی و سجله کانون محکومیت یافته است.
دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

تصحیح

در صفحه ۱۱۴ سطر سه مجله شماره ۹۰ عبارت (هرگاه از مردان شما مرتکب عمل زشت) اشتباه است که بشرح زیر تصحیح میشود.
(هرگاه زن و مردی مرتکب عمل زشت)